

مقایسه سطوح هوش هیجانی و رضامندی زناشویی و رابطه ساختاری آنها در زوجین ناسازگار و سازگار شهرستان ساری در سال ۱۳۸۳

علی اصغر اصغرنژاد فرید (Ph.D.)**

عبدالحکیم تیرگری (Ph.D.)*

علی رضا عابدین (Ph.D.)***

سید اکبر بیان زاده (Ph.D.)***

چکیده

سابقه و هدف: امروزه توجه به رابطه هیجان، شناخت و هم‌سازی بین آنها که در مفهوم نو ظهور هوش هیجانی ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است، در هر دو حوزه مطالعات نظری و عملی جایگاه ویژه‌ای دارد. از حیطه‌های مرتبط با این موضوع، واریسی رابطه بین هوش هیجانی و سازگاری (رضامندی) زناشویی است. هدف اصلی مطالعه حاضر بررسی تفاوت سطوح هوش هیجانی و رضامندی زناشویی، و تعیین سطح رابطه معنی داری بین آنهاست.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر از نوع پژوهش توصیفی-تحلیلی است که به بررسی مقایسه‌ای سطوح هوش هیجانی و رضامندی زناشویی و رابطه بین آنها در دو گروه از همسران ناسازگار (۲۵ زوج) و سازگار (۲۵ زوج) پرداخته است. ابزار پژوهش، پرسشنامه‌های EQ-i و ENRICH و مشخصه‌های جمعیت شناختی بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل‌های آمار توصیفی و آزمون‌های F، r، و توکی بر مبنای برنامه نرم‌افزاری SPSS-10 انجام شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که نمره هوش هیجانی و رضامندی زناشویی و هم‌چنین نمرات مولفه‌های سازنده آنها، بین همسران ناسازگار با سازگار تفاوت معنی‌داری داشت. در بررسی رابطه بین هوش هیجانی و رضامندی زناشویی نتایج نشان داد که تنها در همسران سازگار رابطه معنی‌دار وجود دارد و هم‌چنین این رابطه در زنان سازگار و شوهران سازگار نیز صادق بود.

استنتاج: بین عوامل و مولفه‌های هوش هیجانی و سازگاری (رضامندی) زناشویی و تفاوت سطوح برخورداری از ظرفیت‌های آن، در همسران سازگار با ناسازگار رابطه وجود دارد بنابراین کفایت هوش هیجانی زوجین به عنوان سازه‌ای بنیادین و اثر گذار بر روند بهبود و تقویت روابط زناشویی رضامندانه به شمار می‌رود، به نظر می‌رسد بتوان از طریق تصریح نقش هوش هیجانی در بهسازی روابط بین فردی و زناشویی با هدف کمک به همسران ناسازگار اقدامی موثر انجام داد.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، رضامندی زناشویی، سازگاری روان‌شناختی

* دکتر تخصصی روانشناسی بالینی، عضو هیات علمی (استادیار) دانشگاه علوم پزشکی مازندران و مرکز تحقیقات روانپزشکی و علوم رفتاری دانشگاه

+ ☒ ساری: بلوار امام رضا- بیمارستان زارع- بخش روانشناسی بالینی

** دکتر تخصصی روانشناسی عمومی، عضو هیات علمی (استادیار) دانشگاه علوم پزشکی ایران و انستیتو روانپزشکی تهران و مرکز تحقیقات بهداشت روان

*** دکتر تخصصی توانبخشی روانی، عضو هیات علمی (دانشیار) دانشگاه علوم پزشکی ایران و انستیتو روانپزشکی تهران و مرکز تحقیقات بهداشت روان

**** دکتر تخصصی روانشناسی بالینی عضو هیات علمی (استادیار) دانشگاه علوم پزشکی ایران و انستیتو روانپزشکی تهران و مرکز تحقیقات بهداشت روان

تاریخ دریافت: ۸۴/۱۳/۸۴ تاریخ ارجاع جهت اصلاحات: ۸۴/۹/۱۲ تاریخ تصویب: ۸۵/۶/۱۵

مقدمه

طی سال‌های اخیر، فهم ماهیت هیجان (Emotion) و رابطه آن با شناخت (Cognition) با معرفی مفهوم نو ظهور هوش هیجانی (Emotional intelligence) ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است. به طوری که می‌توان این رویداد را به عنوان آخرین پیشرفت در قلمرو مطالعه هیجان و شناخت تلقی کرد (۱).

هوش هیجانی مفهومی است که برای نخستین بار در آغاز دهه ۱۹۹۰ توسط Mayer و salovey معرفی، و سپس در سال ۱۹۹۵ توسط Goleman به سرعت جنبه عام یافت (۲). امروزه مدل‌های مختلفی جهت تعریف و تبیین مفهوم هوش هیجانی وجود دارد، اما در یک نگاه کلی می‌توان کفایت‌های اساسی سازنده هوش هیجانی را شامل ادراک هیجان در خود و دیگران، فهم و استدلال درباره هیجان، و اداره هیجان ذکر نمود (۳). از نقطه نظر کاربردی، نظریه پردازان بر این باورند که توانایی‌های سازنده هوش هیجانی - درک هیجان‌ها، تنظیم حالات عاطفی و به کارگیری آگاهی هیجانی با سازگاری روان‌شناختی، موفقیت و پیش‌بینی آن و رضامندی کلی از زندگی مرتبط می‌باشد (۴).

اساساً سازگاری روان‌شناختی و رضامندی از زندگی دارای ابعاد پیچیده‌ای است. یکی از زمینه‌های مهم سازگاری در زندگی انسان موضوع ازدواج و رضامندی زناشویی است، بدان حد که ازدواج موفق و رضامندانه مستلزم سطح پایداری از سازگاری از جانب زوجین می‌باشد (۵). ازدواج به مثابه نوعی رویداد گذار در چرخه زندگی (Life Gycle) محسوب می‌شود و همسرشدن یکی از پیچیده‌ترین و مشکل‌ترین گذارهای چرخه زندگی است (۶). اگرچه ازدواج از جانب زوجین با کم‌ترین پیچیدگی و بیش‌ترین لذت درک می‌شود، اما این رویداد هم‌چنان از ظرفیت فشار زا بودن

(Stressor) برخوردار است. پژوهشگران و متخصصین بر این نکته تاکید دارند که کیفیت و وضعیت ازدواج، تلویحات بسیاری درباره نقش‌های والدینی، بهداشت روانی و جسمی و رضایت شغلی به همراه دارد (۷). از سوی دیگر، یک ازدواج، رضامندانه زمینه ساز فضای مناسبی جهت تلاقی و تبادل احساسات و عواطف مثبت بین زوجین است. از این رو، محققانی مانند Clark ، Fitness و brissette (۲۰۰۱) معتقدند که سازه هوش هیجانی، یا لاقل برخی از جنبه‌های آن ظرفیت غنی‌سازی یک ازدواج توأم با سازگاری و رضایت مطلوب و باثبات را داراست. آنان بر این باورند که توانایی درک و پذیرش افکار، احساسات و عواطف یکدیگر در زندگی زناشویی، با احساس رضامندی بیشتری همراه است (۸)، و اشخاصی که از سطوح هوش هیجانی بالاتری برخوردارند در مقایسه با افراد با هوش هیجانی پایین، رضامندی زناشویی بیشتری را تجربه می‌کنند (۹). در نتیجه، یافتن نشانه‌های بی‌کفایتی عاطفی، خطوط فکری یا رفتار اشتباهی که می‌تواند یک زوج را به سوی تعارض یا جدایی سوق دهد، نقش حیاتی هوش هیجانی را در بقای ازدواج و رابطه زناشویی به اثبات می‌رساند. در صورتی که یکی از زوجین یا هردوی آنها کاستی‌های خاصی در مولفه‌های سازنده هوش هیجانی خود داشته باشند، احتمال عمیق تر شدن شکاف‌های عاطفی بین آنها افزایش خواهد یافت، و در نهایت این وضعیت موجب آسیب‌پذیری و گسستن پیوند آنها می‌شود (۱۰).

نتایج بررسی‌های نشان داده است که سطوح هوش هیجانی با رضامندی زناشویی رابطه دارد و مولفه‌های بنیادی سازنده هوش هیجانی مانند شادکامی در رابطه با خود و زندگی، احترام به نفس مثبت، تماس با خویشتن، احساس خودگردانی، انتظارات واقعی، مهارت‌های بین

فردی مناسب، احساس مسئولیت نسبت به دیگران، توانایی حفظ نگرش مثبت به زندگی علی رغم وجود شرایط دشوار، در احساس رضامندی زناشویی سهم قابل توجهی دارد (۱۱).

گرچه نظریه پردازان هوش هیجانی بر اهمیت این مفهوم در حفظ و تداوم رابطه زناشویی و احساس رضامندی از آن تاکید دارند، اما پژوهش‌های کمی، هوش هیجانی را در حوزه مسائل زناشویی مورد بررسی قرار داده‌اند. بی شک این کمبود بررسی‌های پژوهشی به دلیل تازگی مفهوم و دشواری‌های مربوط به تهیه ابزارهای سنجش معتبر و پایا بوده است (۸). با توجه به وجود چنین نارسایی‌های پژوهشی در حوزه مورد نظر و به ویژه در داخل کشور، هدف اصلی مطالعه حاضر بررسی تفاوت سطوح هوش هیجانی و رضامندی زناشویی، و تعیین سطح رابطه معنی داری بین آنهاست. در این راستا، پرسش اصلی این است که کفایت‌ها و توانایی‌های هیجانی و سایر عوامل بین فردی هوش هیجانی تا چه میزانی با احساس رضامندی و سازگاری زناشویی مرتبط می‌باشد.

مواد و روش‌ها

مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی است دو گروه نمونه شامل زوجین ناسازگار و سازگار طی یک دوره ۱۲ ماهه از بین مراجعان به مرکز مداخله در بحران شهرستان ساری، مطب‌های روانپزشکی و جمعیت عمومی (کارکنان مراکز اداری سطح شهر) به صورت غیر احتمالی انتخاب شدند. در هر دو گروه زوجین (۲۵ زوج) وارد مطالعه شدند که دارای زندگی مشترک، دامنه سنی ۲۰ تا ۴۵ سال، تحصیلات دیپلم تا لیسانس، تعداد فرزندان بین ۱ تا

۳ نفر و وضعیت اقتصادی اجتماعی متوسط و به بالا بودند. معیارهای شمول آزمودنی‌ها نیز شامل ابراز نارضایتی از روابط زناشویی در گروه همسران ناسازگار، رضامندی در گروه همسران سازگار، کسب نمره کل پایین تر از ۴۰ در گروه همسران ناسازگار و بالاتر از ۴۰* در گروه همسران سازگار از پرسشنامه ENRICH، کسب نمره پایین تر از ۹۰* در گروه همسران ناسازگار و بالاتر از ۹۰* در گروه همسران سازگار در پرسشنامه EQ-i، عدم وجود سابقه اعتیاد و مصرف مواد و اختلال طبی یا روانپزشکی شدید بود. کسب اطلاعات جمعیت شناختی و پر کردن پرسشنامه‌ها در جلسات جداگانه و به صورت انفرادی صورت گرفت. داده‌ها با نرم‌افزار و SPSS-10 با استفاده از آمار توصیفی و آزمون‌های تحلیل واریانس یک طرفه، توکی و ضریب همبستگی پیرسون (r) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.*

ابزار پژوهش

شامل پرسشنامه‌های بهر هیجانی بار-آن (Bar-on Emotional Quotient Inventory)، پرسشنامه رضایت زناشویی (Enrich) و مشخصات دموگرافیک شامل اطلاعات فردی و خانوادگی زوجین بود که در دو گروه همسان شد.

الف) پرسشنامه بهر هیجانی بار-آن
این پرسشنامه به عنوان نخستین ابزار ارزیابی معتبر فرا فرهنگی سنجش بهر هیجانی است که در سال ۱۹۹۷ توسط Bar-on ساخته شد. پرسشنامه دارای یک نمره کلی (بهر هیجانی کلی EQ)، پنج عامل مرکب، پانزده خرده مقیاس، یک مقیاس گمان مثبت و گمان منفی و یک شاخص ناهمسانی است. پرسشنامه از تعداد ۱۳۳

*نمرات برش بر مبنای روش نمره گذاری پرسشنامه است

سوال کوتاه تشکیل شده است و پاسخ به سوالات با روش لیکرت (هرگز، بندرت، گاهی، معمولاً، همیشه) است و به هر سوال نیز بر اساس پاسخ آزمودنی از ۱ تا ۵ نمره تعلق می‌گیرد. برخی ماده‌ها به صورت مثبت و برخی به صورت منفی نمره‌گذاری می‌شوند. نمرات خام برحسب میانگین ۱۰۰ و انحراف معیار ۱۵ به نمرات تراز شده تبدیل می‌شود. دامنه تغییر نمرات تقریباً همیشه از ۵۵ تا ۱۴۵ (± 3 انحراف معیار از میانگین) است و حدود $\frac{2}{3}$ پاسخ دهندگان نمره‌ای بین ۸۵-۱۱۵ (تر از شده) کسب می‌کنند. نمرات بسیار بالا یا پایین تقریباً نادرند و اغلب افراد نمره نزدیک ۱۰۰ به دست می‌آورند. کسب نمره بالا (بالای ۱۰۰) نشانه افراد با هوش از نظر هیجانی و کسب نمرات پایین‌تر نشان‌دهنده نیاز به بهبود مهارت‌های هیجانی در حوزه‌های اختصاصی است. بررسی‌ها نشان داده‌اند که این پرسشنامه و خرده مقیاس‌های آن در فرهنگ‌های مختلف از سطوح بالای همسانی درونی و نیز از پایایی باز آزمایی بالایی برخوردارند (۲). میانگین ضرایب آلفای کرونباخ برای همه خرده مقیاس‌ها بالا هستند: از ضریب پایین ۰/۶۹ (مسئولیت‌پذیری اجتماعی) تا ضریب بالای ۰/۸۶ (احترام به خود)، با میانگین کلی ضریب همسانی درونی (۰/۷۶). میزان ضرایب پایایی باز آزمایی دوره‌های یک ماهه و چهار ماهه دو گروه از آزمودنی‌های افریقایی جنوبی به ترتیب برابر با ۰/۸۵ و ۰/۷۵ بود. یافته‌های اعتبار یا بی EQ-i که آن را با سایر ابزارهای معتبر دیگر سنجیده‌اند، میزان ضریب اعتبار بالایی را به طور اختصاصی ذکر می‌کنند (از میزان r برابر با ۰/۳۶+ تا ۰/۵۸+، و میزان ۰/۷۲- (۳). در ایران نیز این پرسشنامه از نظر مسائل روان‌سنجی بررسی شده است. در یک مطالعه، دهشیری (۱۳۸۲) میزان ضریب پایایی آزمون را برابر ۰/۷۳۵ محاسبه، و از نظر اعتبار نیز از میان ساختار

۱۳ عاملی نمونه امریکای شمالی تعداد ۸ عامل را در مورد آزمودنی‌های ایرانی معتبر گزارش نمود (۱۳).

ج- پرسشنامه رضایت زناشویی ENRICH

این پرسشنامه توسط Olson و همکاران (۱۹۸۹) جهت بررسی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا یا شناسایی زمینه‌های نیرومندی و پربارسازی رابطه زناشویی تهیه گردید. این پرسشنامه یک ابزار ۱۱۵ سوالی است و از ۱۲ مقیاس تشکیل شده است که در مقیاس اول آن ۵ سوال و در سایر مقیاس‌ها هر کدام ۱۰ سوال وجود دارد. میزان ضرایب آلفای مقیاس‌ها در چندین پژوهش متفاوت از ۰/۶۸ تا ۰/۸۶ با میانگین ۰/۷۹ گزارش شده است.

میزان ضرایب اعتبار پرسشنامه نیز با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰، و با مقیاس‌های رضایت زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ است که نشان‌دهنده اعتبار سازه آزمون می‌باشد (۱۳). نسخه کوتاه‌تری از پرسشنامه نیز در ایران توسط سلیمانیان (۱۳۷۳) تهیه شده است که ۴۷ سوال دارد و از نسخه اصلی اقتباس شده است. در نسخه ۴۷ سوالی تعداد ۵ گزینه (کاملاً موافقم، موافقم، نه موافق و نه مخالف، مخالفم، کاملاً مخالفم) وجود دارد که با استفاده از روش لیکرت به صورت نمره ۱ تا ۵ مرتب شده و با در نظر گرفتن محتوای سوالات (یعنی جهت رضامندی یا نارضامندی زناشویی) به گونه‌ای نمره‌گذاری می‌شود که نمره کل، رضایت از زندگی زناشویی را نشان دهد. بنابراین، حداکثر نمره آزمونی برابر با ۲۳۵ می‌شود و طبعاً نمره بالا نشانه رضایت زناشویی بیشتر است. نمرات خام بر مبنای میانگین ۵۰ و انحراف معیار ۱۰ (از نوع مقیاس T) به نمرات تراز شده تبدیل می‌شوند. دامنه تغییر نمرات تقریباً همیشه از ۱۲ تا ۷۲ (تراز شده) است. نمره‌های T بین ۴۰ تا ۶۰ نشانه رضایت نسبی و متوسط از روابط زناشویی، و نمره‌های

پایین و بالا به ترتیب نشان‌دهنده عدم رضایت و رضامندی زناشویی زیاد است. میزان ضریب پایایی این نسخه برابر با ۰/۹۳ گزارش شده و اعتبار محتوایی آن نیز توسط متخصصان روانشناسی تایید شده است (۱۴).

یافته ها

مطالعه حاضر بر روی دو گروه از زوجین ناسازگار و سازگار که جمعاً یک نمونه ۱۰۰ نفری را تشکیل می‌دادند. اجرا شده است. جدول شماره ۱ مشخصه‌های دموگرافیک دو گروه زوجین را نشان می‌دهد.

نتایج نشان داد که بین میانگین نمرات متغیرهای هوش هیجانی و میانگین نمرات رضامندی زناشویی و نمرات مولفه‌های سازنده رضامندی و همچنین بین میانگین نمره کلی بهره‌یجانی (EQ) و میانگین نمرات عوامل و مولفه‌های سازنده هوش هیجانی زوجین سازگار و ناسازگار تفاوت معنی دار وجود داشت ($P < 0/05$).

اندازه معنی‌داری تفاوت نمرات میانگین پرسشنامه‌های پژوهش در جدول شماره ۲، و همچنین مقایسه نمرات این میانگین‌ها برای مولفه‌های سازنده هوش هیجانی و مولفه‌های رضامندی زناشویی به ترتیب در نمودارهای شماره ۱ و ۲ نشان داده شده است.

آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون (r) نشان داد که بین اندازه میانگین نمره کلی بهره‌یجانی (EQ) و نمره کلی رضامندی زناشویی گروه زنان و شوهران سازگار رابطه معنی‌دار وجود دارد ($r = 0/33$ ، $P \leq 0/05$)، اما در مورد گروه زنان و شوهران ناسازگار، این رابطه معنی‌دار نبود ($r = 0/27$ ، $P \leq 0/05$). همچنین، بین میانگین نمرات کل زنان سازگار ($r = 0/52$ ، $P \leq 0/01$) و بین میانگین نمرات کل شوهران سازگار ($r = 0/46$ ، $P \leq 0/05$)، رابطه معنی‌دار وجود داشت، درحالی‌که هیچ رابطه معنی‌داری بین میانگین نمرات کل زنان ناسازگار و بین میانگین نمرات کل شوهران ناسازگار مشاهده نشد.

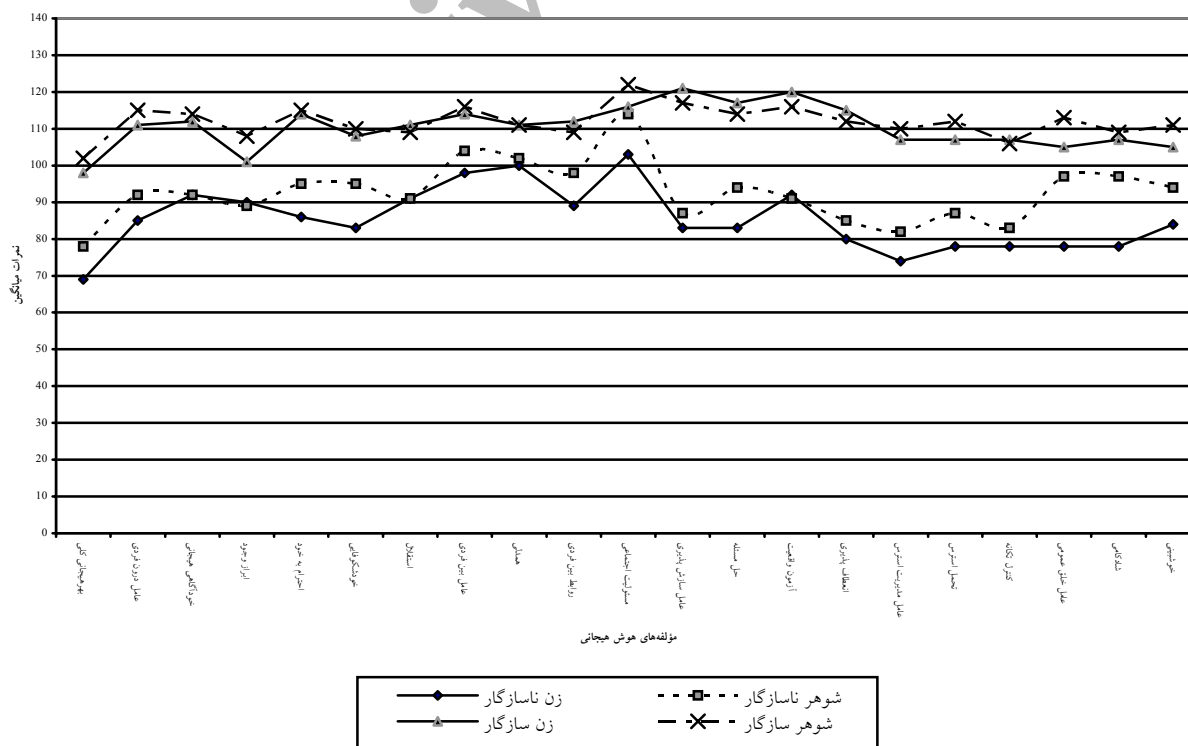
جدول شماره ۱: توزیع فراوانی نمونه‌های مورد پژوهش بر حسب مشخصه‌های دموگرافیک در زوجین سازگار و ناسازگار شهر ساری، سال ۱۳۸۳

متغیر	گروه		زوجین ناسازگار		زوجین سازگار	
	زن/مرد	فراوانی (درصد)	زن	فراوانی (درصد)	زن	فراوانی (درصد)
جنسیت						
	زن/مرد	۲۵ (۵۰)	۲۵ (۵۰)	۲۵ (۵۰)	۲۵ (۵۰)	۲۵ (۵۰)
تحصیلات						
	دیپلم	۱۷ (۶۸)	۱۵ (۶۰)	۱۴ (۵۶)	۳ (۱۲)	۳ (۱۲)
	فوق دیپلم	۳ (۱۲)	۳ (۱۲)	۴ (۱۶)	۴ (۱۶)	۴ (۱۶)
	لیسانس	۵ (۲۰)	۷ (۲۸)	۷ (۲۸)	۱۸ (۳۷)	۱۸ (۳۷)
شغل						
	خانه دار	۱۷ (۶۸)	— (—)	۱۸ (۷۲)	— (—)	— (—)
	کارمند	۸ (۳۲)	۱۶ (۶۴)	۷ (۲۸)	۲۲ (۸۸)	۲۲ (۸۸)
	آزاد	— (—)	۹ (۳۶)	— (—)	۳ (۱۲)	۳ (۱۲)
وضعیت اقتصادی / اجتماعی						
	متوسط	۱۷ (۶۸)	۱۷ (۶۸)	۱۶ (۶۴)	۱۶ (۶۴)	۱۶ (۶۴)
	خوب	۷ (۲۸)	۷ (۲۸)	۷ (۲۸)	۷ (۲۸)	۷ (۲۸)
	عالی	۱ (۴)	۱۴ (۴)	۲ (۸)	۲ (۸)	۲ (۸)
محل تولد						
	روستا	۵۰ (۲۰)	۴ (۱۶)	۴ (۱۶)	۶ (۲۴)	۶ (۲۴)
	شهر	۲۰ (۸۰)	۲۱ (۸۴)	۲۱ (۸۴)	۱۹ (۷۶)	۱۹ (۷۶)

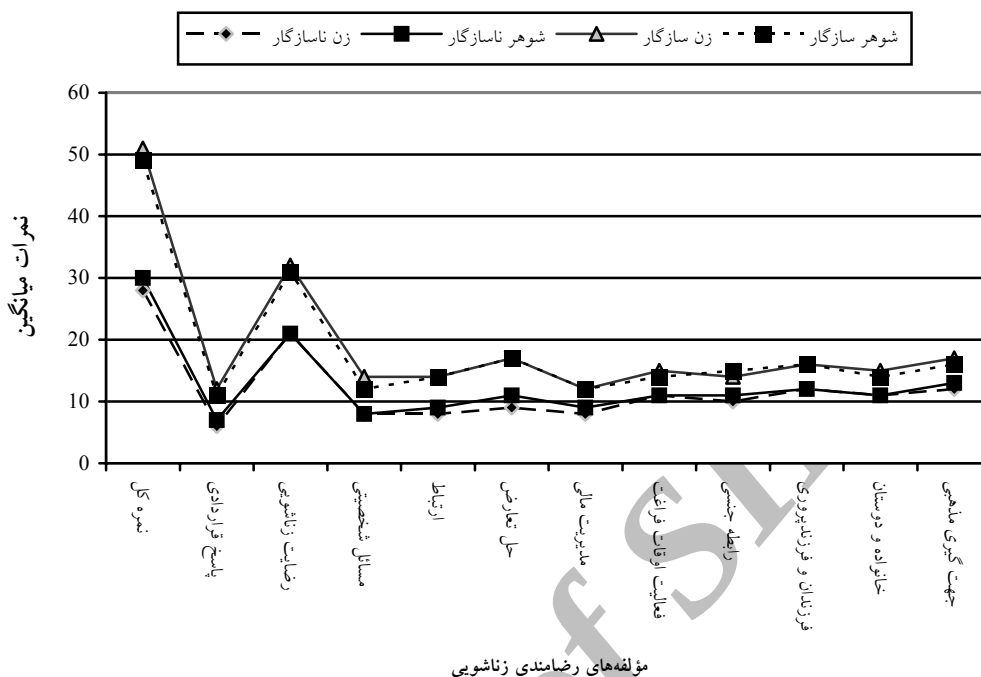
جدول شماره ۲: اندازه معنی داری تفاوت نمرات میانگین پرسشنامه های هوش هیجانی و رضامندی زناشویی در زوجین سازگار و ناسازگار شهر ساری، سال ۱۳۸۳

ENRICH		EQ-i	
اندازه معنی داری *	سازه های پرسشنامه	اندازه معنی داری *	سازه های پرسشنامه
۷۷/۴۸	نمره کل رضامندی زناشویی	۹۲/۳۶	نمره کلی بهره‌یجانی
۵۶/۰۲	مولفه پاسخ قراردادی	۴۵/۰۵	عامل درون فردی
۴۴/۱۹	مولفه رضایت زناشویی	۱۰/۸۰	عامل بین فردی
۳۱/۲۳	مولفه مسائل شخصیتی	۶۰/۲۴	عامل سازش پذیری
۴۶/۳۷	مولفه ارتباط	۴۶/۱۸	عامل مدیریت استرس
۴۰/۱۰	مولفه حل تعارض	۳۷	عامل خلق عمومی
۱۸/۱۴	مولفه مدیریت مالی	۲۷/۲۳	مولفه خود آگاهی هیجانی
۱۵/۴۸	مولفه اوقات فراغت	۸/۶۸	مولفه ابراز وجود
۱۶/۴۹	مولفه رابطه جنسی	۳۳/۹۹	مولفه احترام به خود
۱۶/۱۰	مولفه فرزندان و فرزند پروری	۱۹/۹۷	مولفه خود شکوفایی
۱۹/۲۳	مولفه خانواده و دوستان	۲۰/۳۵	مولفه استقلال
۷/۹۳	مولفه جهت گیری مذهبی	۴/۵۴	مولفه همدلی
		۱۲/۷۱	مولفه روابط بین فردی
		۶/۷۳	مولفه مسئولیت اجتماعی
		۳۶/۰۸	مولفه حل مسئله
		۳۰/۰۳	مولفه آزمون واقعیت
		۴۶/۴۰	مولفه انعطاف پذیری
		۴۲/۳۳	مولفه تحمل استرس
		۳۰/۳۹	مولفه کنترل تکانه
		۲۵/۲۴	مولفه شادکامه
		۲۵/۳۳	مولفه خوشبختی

* F (۳ و ۹۶), P< ۰/۰۰۱



نمودار شماره ۱: مقایسه نمرات میانگین پرسشنامه هوش هیجانی در زوجین سازگار و ناسازگار شهر ساری، سال ۱۳۸۳



نمودار شماره ۲: مقایسه نمرات میانگین پرسشنامه رضامندی زناشویی در زوجین سازگار و ناسازگار شهر ساری، سال ۱۳۸۳

بحث

مناسب) و زنان سازگار در سطح پایین (ظرفیت هیجانی رشد نیافته و نیازمند بهبودی) بودند. از نظر عامل بین فردی بین گروه‌ها تفاوت وجود داشت، اما سطوح تفاوت‌ها در حد بهنجار بود و از این جهت زنان و شوهران سازگار و شوهران ناسازگار در حد بالا و زنان سازگار در حد متوسط بودند. در عامل سازش‌پذیری میزان تفاوت‌های بین افراد قابل توجه بوده و از این لحاظ شوهران سازگار در سطح بسیار بالا، زنان سازگار در سطح بالا و همسران ناسازگار در سطح پایین قرار داشتند. در عامل مدیریت استرس شوهران سازگار در سطح بالا، زنان سازگار در سطح متوسط، شوهران ناسازگار در سطح پایین و زنان ناسازگار در سطح بسیار پایین بودند. از نظر خلق عمومی نیز همسران سازگار در سطح بالا، شوهران ناسازگار در سطح متوسط و زنان

نتایج مطالعه نشان داد که میزان بهره‌یجانی کلی، عوامل و مولفه‌های هوش هیجانی در همسران ناسازگار و سازگار تفاوت معنی‌دار وجود دارد. همسران ناسازگار از نظر طبقه‌بندی میزان بهره‌یجانی کلی در حد پایین و دارای ظرفیت هیجانی رشد نیافته و نیازمند بهبود قرار داشتند، اما همسران سازگار از شرایط بهتری برخوردار بودند و اندازه بهره‌یجانی کلی آنها در حد متوسط و رشد یافتگی ظرفیت هیجانی شان مناسب بود، هر چند گروه اخیر نیز از نظر توانایی مذکور از سطوح بالایی ظرفیت هیجانی برخوردار نبودند. هم‌چنین از نظر سطوح عوامل هوش هیجانی نیز بین گروه‌ها تفاوت معنی‌دار وجود داشت. در عامل درون فردی، زوجین سازگار در سطح بالا (نشانه ظرفیت هیجانی خوب رشد یافته) شوهران ناسازگار در سطح متوسط (ظرفیت هیجانی

ناسازگار در سطح پایین قرار داشتند. در مورد مولفه‌های هوش هیجانی گروه‌ها تفاوت‌های چشم‌گیری مشاهده گردید. به ویژه همسران ناسازگار در مولفه‌های انعطاف‌پذیری، تحمل استرس و کنترل تکانه در سطوح پایین و دچار نارسایی و نقصان بودند و از این نظر زمینه‌های آسیب‌پذیری مشترکی داشتند. اما همسران سازگار علی‌رغم وجود برخی تفاوت‌ها در کفایت‌های هوش هیجانی عموماً در سطوح متوسط، بالا و در برخی موارد بسیار بالا بودند. نتایج مذکور نشان می‌دهد که همسران ناسازگار از نظر توانایی‌های سازنده هوش هیجانی در مقایسه با همسران سازگار تفاوت‌های اساسی دارند و این یافته دیدگاه‌های نظری غالب مبنی بر وجود تفاوت‌های فردی در سطوح هوش هیجانی، نقش آن در بهسازی کیفیت روابط، رشد عقلانی و عاطفی و سازگاری روانشناختی مطابقت دارد (۱، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۰).

در مورد بررسی وضعیت مولفه‌های رضامندی (سازگاری) زناشویی گروه‌های همسران مطالعه نشان داد که بین آنها از نظر میزان رضامندی زناشویی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. از نظر نمره کل رضایت زناشویی شوهران ناسازگار در سطوح پایین (نشانه عدم رضایت)، زنان سازگار در سطوح بسیار پایین (نارضایتی شدید) و همسران سازگار در سطح متوسط (رضایت نسبی) قرار داشتند. همچنین، در مورد نمرات مولفه‌های رضایت زناشویی نیز همسران ناسازگار در مسائل شخصیتی، ارتباط و حل تعارض در سطح پایین (نشانه نواقص بنیادی در برقراری رابطه زناشویی سازگارانه) و همسران سازگار در کلیه مولفه‌ها در سطح بالا (نشانه قابلیت رشد یافته برای سازگاری مطلوب در روابط همسری) عملکرد متفاوتی نشان دادند. یافته‌های پژوهشی متعددی بر این نکته تاکید دارند که کیفیت رابطه همسری نیرومندترین پیش‌بینی کننده رضامندی زناشویی است و مولفه‌های

مذکور از توان کافی برای تمایز معنی‌دار بین همسران سازگار و ناسازگار و وجود قوت و ضعف در آنها برخوردارند (۹-۵) و این موضوع با نتایج پژوهش حاضر نیز هماهنگ است.

در زمینه بررسی رابطه هوش هیجانی و رضامندی زناشویی مطالعه نشان داد که بین نمره بهره‌هیجانی کلی و نمره کل رضامندی زناشویی همسران سازگار رابطه معنی‌دار وجود دارد، اما در مورد همسران ناسازگار این رابطه معنی‌دار نبوده است. این قضیه حاکی از این است که چنانچه فرد از نظر ظرفیت هوش هیجانی از رشد یافتگی بیشتری برخوردار باشد، انتظار می‌رود که در سایر زمینه‌های زندگی مانند رابطه زناشویی نیز بتواند به شیوه‌ی سازگارانه عمل کند. یافته فوق با این باور محققان که هوش هیجانی یا حداقل برخی از جنبه‌های آن می‌تواند موجب سازگاری زناشویی مطلوب و با ثبات شود، و یا این مفروضه که برخورداری از سطوح هوش هیجانی بالاتر با احساس رضامندی زناشویی بیشتر مرتبط است، همخوانی دارد (۸، ۹، ۱۰، ۱۱).

نتایج نشان داد که تفاوت‌های معنی‌دار موجود بین سطوح هوش هیجانی و کفایت‌های مربوط به آن می‌تواند با احساس رضامندی زناشویی زوجین رابطه مثبت داشته باشد. بنابراین می‌توان با استناد بر چنین یافته‌هایی به این فرض اشاره کرد که برخورداری بیشتر فرد از توانایی‌های هوش هیجانی با میزان رضامندی زناشویی وی مرتبط می‌باشد.

نتایج پژوهش حاضر از لحاظ کاربردی می‌تواند جهت طرح برنامه‌های مداخله آموزشی به صورت برنامه‌های راهبردی پیشگیری اولیه و ثانویه سودمند تلقی گردد. بنابراین می‌توان با استناد به آن با به کارگیری برنامه‌های آموزش و مشاوره زناشویی در رفع یا تخفیف عوامل زمینه‌ساز مشکلات همسران گام اساسی برداشت.

سپاسگزاری

و مرکز تحقیقات بهداشت روان به مناسب حمایتی علمی و مالی پروژه اعلام می‌دارد.

نویسنده مراتب سپس و امتنان خود را نسبت به اعضای محترم شورای پژوهش انستیتوروانپزشکی تهران

فهرست منابع

1. Mayer JD. A field guide to emotional intelligence. In: ciarrochi J, forgas JP, Mayer JD, editors. *Emotional intelligence in everyday life*. philadelphia: Taylor & Francis; 2001: 3-24.
2. Bar- R. *Bar-on emotional quotient inventory*. Toronto: Multi-Health system inc; 1997.
3. Bar-on R. Bar-on emotional and social intelligence. In: Bar-on R, par ker JDA, editors. *Handbook of emotional intelligence*. Sanfrancisco: Jossey-Bass; 2000: 363-388.
4. Pellitteri J. The relationship between emotional intelligence and ego defence mechanisms. *The Journal of psychology*. 2002; 136(2): 182-194.
5. اصلانی خالد. نقش مهارت های ارتباطی بر کارآیی خانوادگی دانشجویان متأهل. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۳۸۳؛ سال چهارم، شماره ۱۴: صفحات ۱۱۵-۱۳۶.
6. Bagarozzi DA. *Enhancing intimacy in marriage: A clinician's guide*. New York: Taylor & Francis; 2001.
7. Morris MI, Carter SA. Transition to marriage: A Literature Review. *JFCSE*. 2000; 17(1):1-21.
8. Fitness J. Emotional intelligence and intimate relationship. In: ciarrochi J, forgas JP, Mayer JD, editors. *Emotional intelligence in every day life*-philadelphia: Taylor & Francis; 2001: P98-112.
9. Schutte NS, Malouff TM, Bobik C, Coston TD, Greeson C, Jedlicka C, & et al. Emotional intelligence and interpersonal relation. *The Journal of Social Psychology*. 2001; 141(4): 523-536.
10. Goleman D. *Emotional intelligence; Why it can matter more than IQ*. New York; Bantam books; 1995.
11. Fizer M. EQ and marital satisfaction. PMEI. 2002; [1 screens]. Available at: [URL:http://www.gwimi.imi.ie/eqhtml](http://www.gwimi.imi.ie/eqhtml). Accessed October 21, 2003.
12. دهشیری غلامرضا. هنجاریابی و بررسی ساختار عاملی پرسشنامه بهر هیجانی بار- آن بر روی دانشجویان دانشگاه های شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۲.
13. ثنای باقر. مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: موسسه انتشارات بعثت، ۱۳۷۹.
14. صادقی سعید. بررسی عوامل شخصیتی موثر در سازگاری زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: انستیتو روانپزشکی، ۱۳۸۰.